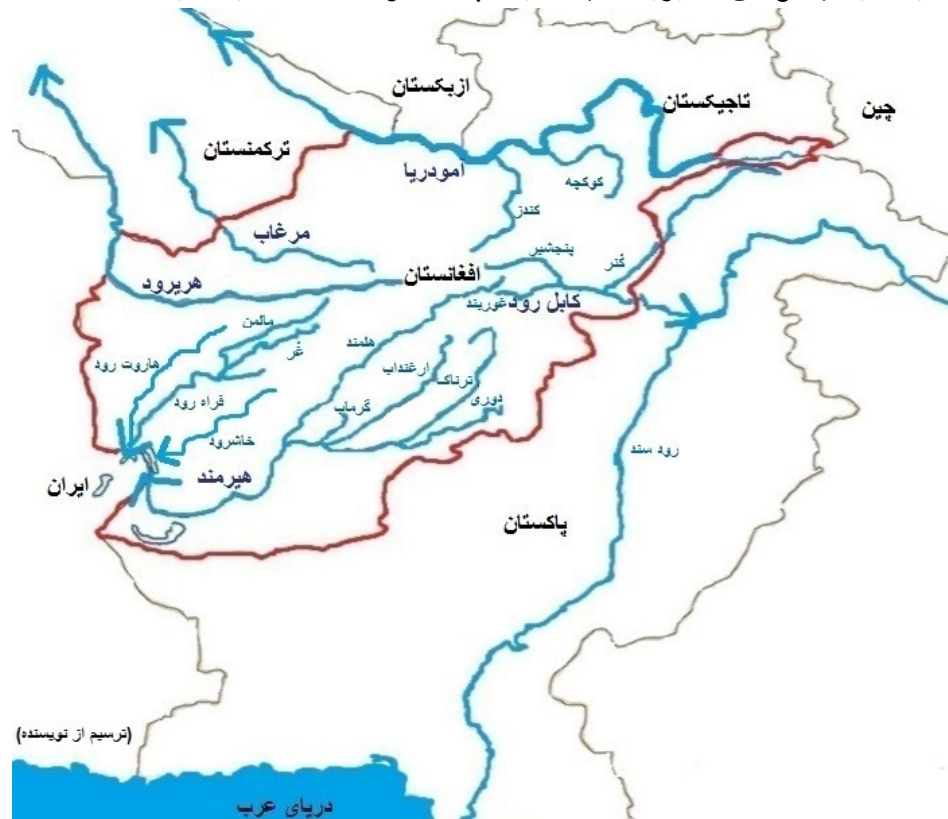


سرنوشت آب دریای پنجشیر

گفت و شنود مدیر مسئول نشریه گفتمان ملی با انجنیر محمد واسع امیر معاون گفتمان ملی در رابطه به چگونگی مدیریت آب دریای پنجشیر و انتقال آن به کابل



به لحاظ جغرافیایی افغانستان در دامنه کوههای همالیا و هندوکش واقع شده و از ذوب یخ ها و برفهای همالیا پنج دریای کشور سیراب میشوند. 85 درصد منابع آب افغانستان از همین دریا ها استحصال میشود و 15 درصد به سفره های آب زیر زمینی اختصاص دارد. افغانستان برخلاف همسایگانش جریان و منابع آب کافی در اختیار دارد و کوههای این کشور ذخایر برفی خوبی را فراهم می آورند که حتی با بدگمان ترین پیشبینی های اقلیم شناسی نیز تا 50 سال آینده همچنان افغانستان وضعیت به مراتب غنی تر از همسایگانش خواهد داشت.

اما چرا همچنان گفته میشود که افغانستان دچار بحران آبی است؟

دهه ها جنگ و ناامنی بسیاری از تاسیسات و زیر ساخت های آبی در افغانستان را نابود کرده است. انجنیران و نیرو های فنی مدیریت بهینه منابع آب یا با کمبود سرمایه مواجه بوده یا سرمایه مربوط غارت شده است. گرفتن قرضه از بانک های جهانی ، آسیایی و بانک های متحده عرب هم نسبت تحریم های موجود کمتر امکان پذیر است. ولی اغلب پروژه ها در دوران جمهوریت به دلیل اختلافات آبی با همسایگان نیمه کاره باقی مانده و یا به مرحله بهره برداری موثر نرسیده اند.

به گزارش رسانه های خبری: وزارت زراعت حکومت سرپرست طالبان گفته است که : آب های زیر زمینی افغانستان به علت خشکسالی پایان افتاده یا تقلیل یافته است.



بحران آب در کابل ناشی از چیست؟

سه دریا از شهر کابل میگذرند و قاعدتاً این شهر نباید با مشکل قلت آب مواجه باشد اما اینطور نیست. در تابستان و خزان سطح آب رودخانه ها به شدت کاهش می یابد چون میزان قابل توجهی آب صرف آبیاری مزارع در بالادست میشود. در نتیجه پایتخت نشینان پنج ملیونی برای تامین آب آشامیدنی به آبهای زیر زمینی رو آورده وابسته است. سیستم سنتی حفر چاه در کابل هنوز تنها منبع آب خانوار است و در طول سالها به دلیل برداشت لاینقطع و عدم تغذیه چاهها در ماههای کم بارش سال، چاه های قدیمی کم عمق خشک شدند پس هر خانوار به جای حفر یک چاه، مجبور به حفر دو یا سه چاه در خانه شان گردیده اند تا بتوانند نیازمندی آب آشامیدنی خئیش را مرفوع نمایند.

روی این ملحوظ افغانستان دچار نا امنی آبی است اما نه به دلیل کمبود منابع آب.

اما: مقامات طالبان و وزارت زراعت و آبیاری در نظر دارد که به ادامه تدابیر موقتی و روبنایی دوران جمهوریت آب دریای پنجشیر را بدون سنجش علمی و هایدرو لوژیکی طرف کابل آورده و مدیریت شود.

ص. وفا: انجنیر صاحب شما که از نزدیک شاهد رویداد ها میباشید وضعیت را چگونه مطالعه و نتیجه گیری مینمایید؟



انجنیر واسع امیر: وفا صاحب گرامی با ابراز سپاس و امتنان از پرسش بسیار ارزنده شما نخست جا دارد که سلام و احترامات گرم خود را خدمت شما و هموطنان عزیزم تقدیم نمایم.

قبل از آنکه به پرسش شما بپردازم میخواهم به چند نکته کوتاه بپردازم.

گرم شدن یا تغییرات قابل ملاحظه اقلیم در جهان خصوصا" در دو دهه اخیر، قلت آب آشامیدنی اکثر شهرهای مزدحم و زراعتی را در نقاط مختلف جهان تهدید مینماید که این پدیده مردم و حکومت ها را به نگرانی و چالش کشانیده است. حتی به وضاحت میتوان گفت که در شرایط فعلی آب شیرین بعنوان یکی از منابع نهایت ارزشمند یا منبع استراتژیک بین کشور های همجوار مطرح میباشد.

در میان این همه شهرها کابل بعنوان پایتخت افغانستان که همواره دستخوش تراکم نفوس بی رویه و استفاده بی رویه از منابع طبیعی خصوصا" آب های سطحی و آب های زیر زمینی بوده که این نارسایی ها در بعضی موارد ناشی از بیکیفایتی مسؤولین در ادوار مختلف، عدم مدیریت سالم منابع، عدم حفظ و مراقبت، ضعف فرهنگ شهر نشینی و عدم آگاهی عامه میباشد که محصله آن در مقابل ما قرار دارد.

اکنون در رابطه به پرسش شما و اصل موضوع عرض نمایم که:

طرح انتقال آب آشامیدنی برای باشندگان شهر کابل از دریای پنجشیر (تنگی گلبهار) برای نخستین بار در سال 2012 از سوی تعدادی از متخصصین هایدرو لوجیکی وزارت محترم انرژی و آب با در نظر داشت تمام مسایل تخنیکی آن در مطابقت با استندرد های ملی و بین المللی که اعمار ذخایر متعدد، خریداری ماشینری، پمپاژ، سیستم تصفیه کننده، پایپ انتقال دهنده، پایپ شبکه پی و اعمار کانال ها شامل آن بود مطرح گردید که در آن زمان بودیجه مورد نیاز این پروژه در حدود صد ملیون دالر با تمام امور ایجابی آن تخمین گردیده بود. اما این طرح بدلائل متعدد سیاسی، اقتصادی و بعضی مسایل تخنیکی به زمان نامعلوم موکول گردید.

به گمان اغلب مطالعه دقیق در رابطه به حقایق ولایات همجوار و ولایات مشرقی احتمال منازعات محلی در سکتور زراعت را دامن میزد که نا رضایتی مردم از حکومت را در قبال داشت. همچنان از لحاظ اقتصادی یا مصارف گزاف آن و پلان های احتمالی برای اعمار پروژه های متعدد زراعتی و تولید برق در مسیر این دریا مطرح بود که تطبیق این پروژه را تضعیف بخشید.

اکنون که طالبان بتاريخ اول ماه اسد 1402 از آغاز دیزاین این پروژه و تطبیق آن به ارزش سه ملیون دالر خبر دادند برای شخص خودم سوال بر انگیز است. در این رابطه باید اشاره نمود که فقدان متخصصین امور در تمام وزارتخانه ها خصوصا" وزارت انرژی و آب کاملا" محسوس است.

درینجا اگر اجازه شما باشد بخاطر روشنی و پاسخ به سوالات مطرح شده یک مرور مقایسوی در رابطه به پروژه تقریبا" مشابح که همانا انتقال پایپ لاین سالنگ/ چاریکار میباشد داشته باشم. **ص. وفا: بفرمائید.**

در سال های 2013 / 2015 ولایت پروان (شهر چاریکار) و بعضی نقاط شمالی کابل دچار کمبود آب آشامیدنی گردیده بودند.

با وصف آنکه قسمتی از ولایت پروان ، کاپیسا و ولایات مشرقی از حوزه دریایی پنجشیر و حوزه دریایی غوربند مستفید میگردد اما قسمت دیگر ولایت پروان الی شمالی کابل از کم آبی یا قلت آب رنج میبردند.

تا اینکه ریاست انرژی و آب ولایت پروان به هماهنگی وزارت انرژی و آب و وزارت مالیه روی چگونگی رفع کمبود آب آشامیدنی 216000 پروانی، تمویل مالی و تطبیق پروژه انتقال آب آشامیدنی در مدت زمان کوتاه جلسات متعدد با مسؤولین زیربط دایر نمود. در نتیجه نظریات ابتدایی اولین گزینه بعنوان منبع نزدیک آب حوزه دریایی غوربند / پنجشیر بود که در بعضی نقاط کانال ها و چاه های عمیق از طرف مؤسسات اعمارو حفر گردیده بود اما در بعضی نقاط مرتفع انتقال آب این دریا ها در همان زمان و شرایط ناممکن تلقی گردید و همچنان به مصارف گزاف و زمان بیشتر نیاز داشت.

از این جهت بخاطر رفع مشکلات آب آشامیدنی پروان (شهر چاریکار) در سال 2013 یک تیم انجیران افغان به سالنگها اعزام گردید که بعد از بازدید و آمارگیری ها در فاصله 32 کیلومتری شهر چاریکار چشمه بی بنام (سرتکچه) که در منطقه (قلا تک) سالنگها واقع میباشد شناسایی و تحت مطالعه قرار گرفت. که خوشبختانه بنده هم به گونه اتفاقی برای یکروز در این سروی سهم گرفته بودم تا اینکه آب این چشمه دارای ظرفیت بلند و متداوم ثابت گردید و نتایج سروی آن به مرحله دیزاین ، داوطلبی و عقد قرار داد انتقال یافت.

بودیجه مورد نیاز این پروژه مبلغ ده ملیون دالرتخمین گردیده بود که انتقال آب توسط پایپ های نوع پولی ایتیلین به قطر (16") اینچ در فاصله یا طول 32 کیلومتر صورت میپذیرفت. کندنکاری ، پرکاری مجدد بگونه اساسی ، اعمار ذخایر آب به ظرفیت 6000 متر مکعب در شهر چایکار و توزیع آن برای 16000 فامیل و یا 216000 شهروندان چاریکار از طریق شبکه های آبرسانی شامل این پروژه بود. بلاخره این پروژه در سال 2022 تکمیل و به بهره برداری سپرده شد که حدوداً " نزدیک به ده ملیون دالرمصرف و مدت شش سال زمان را در بر گرفت.

اکنون در مقایسه به پروژه کابل نکات و سوالات اساسی قابل درنگ:

با در نظر داشت فاصله 32 کیلومتری سالنگ/ چاریکار که امتیاز مرتفع بودن سالنگ ها ، عدم استفاده از سیستم پمپاژ ، ماشینری / اماکن تصفیه و عدم پرداخت غرامت بخاطر تخریب کشتزارهای اهالی در مسیر این پروژه نزدیک به 10 ملیون دالرمصرف گردید. اکنون کابل مرتفع که در فاصله 80 کیلومتری دریای پنجشیر قرار دارد و مقدار آب قابل انتقال برای یکنیم ملیون شهروندان کابل گفته شده و این که رقم نشاندهنده انتقال آب برای شش برابر نفوس پروژه سالنگ/ چاریکار میباشد آیا تخمین بودیجه 3 ملیون دالری اعلان شده بسنده خواهد بود؟

آیا حقابه ولایات همجوار و ولایات مشرقی در امور زراعت و ظرفیت ذخیروی بند برق نغلو، بند ها و پروژه های پلانی در آینده ، همچنان فصل خشکسالی و کمبود آب مطالعه و بررسی گردیده است؟

آیا مشکلات اجتماعی از قبیل تخریب زمین و باغ اهالی و پرداخت غرامت آنها محاسبه گردیده است؟

آیا مصارف تخریب در اثر حفاری و اعمار مجدد شانه یا بازو های سرک خصوصاً " شاهراه کابل مزار بعد از تکمیل این پروژه، اعمار ذخایر بزرگ آب، خریداری و نصب ماشینری جهت پمپاژ آب به ذخایر مرتفع، اعمار تصفیه خانه ها، خریداری پایپ ها با قطر بلند... در نظر گرفته شده؟

از این جهت عرض نمایم در حالیکه منابع نزدیک و قابل مدیریت در حومه های کابل وجود دارد، انتقال آب از دریای پنجشیر به کابل تقریباً پرمصرف، زمانگیر و در کل نظریه معقول نیست. همچنان این پروژه احتمال منازعات اجتماعی و سیاسی را در ابعاد داخلی و خارجی در قبال خواهد داشت.

البته در اینجا اشاره نمایم که برای اکتفا و مدیریت آب های سطحی و زیر زمینی کابل و آنعده ولایاتی که با قلت آب مواجه اند، کمیسیون امور داخلی گفتمان ملی، طرح ملی را با روش های نو علمی روی دست دارد که در زمان معین آنرا به حکومت و یا دولت قانونمند (مشروع ملی) پیشنهاد مینماید.

ص وفا: بسیار خوب آیا برای اوضاع پیش آمده که مردم کابل با قلت آب دست و پنجه نرم میکنند کدام راه حل مناسب وجود دارد؟

محمد واسع امیر: وفا صاحب گرامی عرض نمایم که راه حل های متعدد وجود دارد که بایست با دیدگاه های تاکتیکی و راهبردی به هر کدام آن پرداخت.

پلانگذاری، مدیریت سالم و تدابیر لازم ذخیروی و تقویتی جهت استفاده بموقع از فصل های آب خیزی و همچنان استفاده از منابع آب نزدیک به کابل مانند شکر دره، شاه توت، پغمان، قرغه، دریای کابل، دریای لوگر و ولسوالی بگرامی که حیثیت کاسه آب کابل را دارد میتوان به این مشکل خاتمه بخشید.

با ابتکارات و روش های نوین چه در بخش آب های سطحی و چه در بخش آب های عمقی میتوان ضرورت آب آشامیدنی مردم کابل را بگونه تهدابی و متداوم مرفوع نمود. پیشنهاد من به مسؤولین وزارت انرژی و آب (حکومت) در سه کتگوری در چهارچوب برنامه های ملی قرار ذیل است.

کتگوری اول: برنامه شهروندی (کوتاه مدت)

- آگاهی دهی عامه در مورد اهمیت آب، صرفه جویی و عواقب مصرف بی رویه از منابع آب از طریق رسانه ها، خطیبان مساجد و کارمندان اجتماعی در اماکن عامه.
- نصب میتر های مصرفی بالای هر حلقه چاه عمیق و حصول قیمت هر متریک آب منابع زیر زمینی که این روند در صرفه جویی آب، تداوم سطح آب و بلند بردن عواید ملی و مصرف آن در سایر پروژه های ملی نهایت تاثیر گذار است.
- حفر اجباری یک حلقه چاه جزئی با امور ایجابی تصفیوی آن در هر منزل شهر کابل و رجعت آب باران و برف (ناوه)، آشپزخانه ها در این چاه که مؤثریت قابل ملاحظه در تقویت، ذخیره و بالا بردن سطح آب های زیر زمینی خواهد داشت.

کتگوری دوم: برنامه دولتی (میان مدت)

- ولسوالی بگرامی کابل که حیثیت کاسه ذخیره یی آب کابل را دارا میباشد و همین اکنون 40% آب آشامیدنی شهروندان کابل را تامین مینماید سطح آب آن در حدود 15 الی 20 متر افت نموده است و به تقویت و تزریق دوباره نیاز دارد! ازینجهت حکومت مکلف است تا با حفرنیمه چاه های جزبی معه امور تخنیکی و تصفوی آن درجوار دریای لوگر و استفاده بموقع از فصل آب خیزی این منبع زیر زمینی را تقویت بخشد.
- در دهه های اخیر کوچکترین توجه به پاک کاری بند قرغه نگردیده در حالیکه این بند ظرفیت ذخیره یی آب بیشتر را دارا میباشد. حکومت باید به پاک کاری ، حفاری و وسعت بخشیدن این بند توجه نموده اقدامات عملی را روی دست گرفته ظرفیت ذخیره یی این بند را بالا ببرد.
- انتقال فابریکات و کارخانه های تولیدی نوشابه باب غیر الکلی و تولید کننده های آب معدنی از داخل شهر و مناطق رهائشی به مناطق مناسب در بیرون از شهر متراکم کابل.
- اعمار نیمه چاه های جزبی و ذخایر آب در مسیر دریای کابل و چمچه مست در حومه های شهر کابل و انتقال آب های اضافه بار به این نیمه چاه ها و ذخایر از طریق کانالها در فصل آب خیزی که این روند خطرات سیلاب و آبخیزی های داخل شهر را نیز کاهش میدهد.
- اعمار سربند های کوچک و بزرگ در دره های آب خیز کوه های کابل جهت ذخیره آب مصرف بموقع آن در امور زراعتی و جلوگیری از آب خیزی جاده های کابل...

کتگوری سوم: برنامه های ملی (راهبردی)

- بند شاه و عروس ولسوالی شکرده در سال 1401 در آستانه آبگیری قرار داشت. با در نظر داشت ارتفاع آن بدیل خوب انتقال آب دریای پنجشیر به کابل بوده میتواند.
- ساخت بند شاتوت یکی از منابع بزرگ تمویل کننده آب آشامیدنی شهر کابل است که تفاهم نامه آن در سال 1399 بین دولت افغانستان و کشور هندوستان به ارزش 286 میلیون دالربه امضا رسید. حکومت باید در چهارچوب روابط دیپلوماتیک سرنوشت این بند را مشخص نماید.

چی باید کرد؟

متأسفانه مردم جنگزده افغانستان هنوز از اهمیت آب و عواقب ناگوار مصرف بی رویه آن آگاهی کافی ندارند و با بی اعتنایی کامل به مصرف بی رویه آب ادامه میدهند ازینجهت به اتخاذ تدابیر لازم که در کتگوری اول در بالا ذکر گردیده است میتوان مردم را متوجه اهمیت و ارزش این نعمت الهی نمود.

ندای کارشناسانه به هموطنان عزیز:

لطفا" با صرفه جویی در مصرف آب تداوم حیات خود فرزندان تان وطبعیت را تامین و تضمین نمایید.

تذکار به حاکمان : اگر در جامعه تان فرهنگ استفاده از منابع و فرهنگ شهرنشینی را ترویج ننموده باشید و روی برنامه های موثر ملی جهت مدیریت آب های سطحی و آب های زیر زمینی از قبیل اعمار بند ها ، ذخایر آب های بارنده گی فصلی ، نیمه چاه های تزریقی ... کار ننموده

باشید هیچ مجرای آبی بسنده و متداوم نخواهد بود.

خطاب به مؤسسات کمک کننده جامعه جهانی:

لطفاً در کنار آنکه برای تمویل آب آشامیدنی و آب زراعتی چاه های عمیق سولری حفر مینمایید
و سطح آب های زیر زمینی را پایین میبرید به تقویت مجدد آن نیز توجه نموده ممنون سازید.

وفا صاحب گرامی بخاطر رفع خسته گی شما اگر اجازه باشد به چند نکته طنز گونه در مورد
مصرف آب میپردازم :

ص وفا: بفرمایید.

یک آغا روزانه پنج بار وضو میگیرد که هر بار 3 الی 5 لیتر آب مصرف مینماید حد اوسط مصرف
روزانه 20 لیتر

یک آغا هفته سه روز حمام میکند و در هر بار حمام 30 الی 50 لیتر آب شیرین و با ارزش را
مصرف مینماید که حد اوسط آن روزانه 17.14 لیتر

با معذرت یک آغا روزانه سه بار رفع حاجت میرود و هر باریکه فلش تانکی کمود را فشار میدهد
4 الی 6 لیتر آب شیرین را مصرف مینماید که روزانه حد اوسط آن 15 لیتر آب

یک آغا بگونه مقطعه بی در موتر شویی ، ظرفشویی ، فرش شویی ، شستشوی لباس ، آب دادن
درخت و باغچه ، آب پاشی صحن حویلی و کوچه ... حد اوسط روزانه 25 لیتر آب شیرین مصرف
مینماید . اکنون شما این ارقام را ضرب یک فامیل پر جمع و جوش افغان نمایید .

بقیه محاسبه کن را خواننده گان

با ابراز سپاس و امتنان از حوله مندی شما امیدوارم که شما پاسخ تانرا یافته باشید

ص. وفا: تشکر انجنیر صاحب واسع امیر، بلی اگر در خانه کس است سخنان شما بس است.
